

خشم کشاورزان:

فریادی از ناامیدی که در برابر

آگاهی کارگران به ابزاری تبدیل شده است



ترجمه ای از جریان کمونیست بین‌المللی

صدای انترناسیونالیستی

از ابتدای سال، کشاورزان در مقابل کاهش درآمدهای خود بسیج شده‌اند. این جنبش که به دنبال لغو یارانه گازوئیل کشاورزی در آلمان آغاز شد، اکنون به فرانسه، بلژیک و هلند گسترش یافته است و در حال گسترش به سراسر اروپا است. کشاورزان در برابر مالیات‌ها و استانداردهای زیست محیطی خشمگین هستند.

تولیدکنندگان کوچکتر، که به دلیل قیمت‌های خرید صنعت کشاورزی و سیاست تمرکز مزرعه به ستوه آمده‌اند، مدت‌ها است که در فقر و بینوایی به شدت فرو رفته‌اند، اما با تسریع بحران، افزایش هزینه‌های تولید، پیامدهای تغییرات اقلیمی و درگیری در اوکراین، وضعیت به شدت بدتر شده است، به حدی که حتی صاحبان مزارع متوسط نیز در فقر فرو می‌روند. هزاران کشاورز زندگی روزمره خود را در فقر و اضطراب تجربه می‌کنند که حتی بسیاری از آنها را به سوی خودکشی می‌کشاند.

## **جنبشی بدون چشم انداز**

هر چند هیچکس نمی‌تواند به بحران بخشی از جهان کشاورزی بی توجه باقی بماند، اما همچنین مسئولیت سازمان‌های انقلابی است که به وضوح بگویند: بله، کشاورزان کوچک به شدت از این بحران رنج می‌برند! بله، خشم آن‌ها بسیار زیاد است! اما این جنبش با طبقه کارگر همسو نیست و نمی‌تواند چشم اندازی برای مبارزه خود ارائه

دهد. بدتر از این، بورژوازی از خشم کشاورزان برای یک حمله ایدئولوژیک تمام عیار علیه پرولتاریا بهره برده است!

از زمانی که کارگران در بریتانیا راه را در تابستان ۲۰۲۲ باز کردند، حرکت‌هایی در مواجهه با ضربات کوبنده بحران همچنان افزایش یافته است: ابتدا در فرانسه، سپس در ایالات متحده، کانادا، سوئد و اخیراً فنلاند. در آلمان، کارگران راه آهن دست به اعتصاب گسترده‌ای زده‌اند و به دنبال آن خلبانان شرکت هواپیمایی لوفت‌هانزا اعتصاب را دنبال کردند. بزرگ‌ترین اعتصاب در تاریخ ایرلند شمالی در ژانویه رخ داد. در اسپانیا و ایتالیا، بسیج در بخش حمل و نقل و همچنین در متروی لندن و بخش فلزکاری در ترکیه ادامه دارند. بیشتر این مبارزات در مقیاسی است که برای سه یا چهار دهه دیده نشده است. اعتصابات و تظاهرات در همه جا در گسترش است، با توسعه نوپا اما با همبستگی بی سابقه بین بخش‌ها، و حتی فراسوی مرزها...

چگونه بورژوازی به این رویدادهای تاریخی واکنش نشان داد؟ با سکوت سنگین رسانه‌ای! یک سکوت واقعی! از طرف دیگر، در ابتدا تنها چند بسیج پراکنده کشاورزان، کافی بود تا مطبوعات بین‌المللی و تمام گروه‌های سیاسی، از راست افراطی تا چپ افراطی به این رویداد هجوم ببرند که هدف آنها تلاش برای پوشش خبری، داغ و گسترده بود.

از کشاورزان کوچک تا صاحبان مزارع بزرگ و مدرن، با وجود اینکه در رقابت مستقیم بودند، با این حال همگی حول همان بت‌های مقدس، با اتحاد مقدس رسانه‌ای گرد هم آمدند: دفاع از مالکیت خصوصی و ملت!

نه کشاورزان کوچک و نه کسب و کارهای کوچک آینده‌ای در بحران غیرقابل حل سرمایه‌داری ندارند. بلکه برعکس! منافع آنها به شدت با منافع سرمایه‌داری مرتبط است، حتی اگر سرمایه‌داری، به ویژه به علت بحران، در حال تمایل به از بین بردن مزارع آسیب‌پذیرتر و به سقوط کشاندن تعداد روزافزونی از کشاورزان باشد. به نظر کشاورزان فقیر، نجات آنها در دفاع ناامیدانه از مزارعشان است. و در برابر رقابت بین‌المللی شدید و هزینه‌های بسیار پایین تولید در آسیا، آفریقا و آمریکای جنوبی، بقای آنها به صورت کامل بستگی به دفاع از «کشاورزی ملی» دارد. تمامی مطالباتی که کشاورزان مطرح می‌کنند، در برابر «هزینه‌ها»، در برابر «مالیات‌ها»، در برابر «استانداردهای بروکسل»، همه اینها یک هدف مشترک دارند: حفظ اموالشان، بزرگ یا کوچک، و حفاظت از مرزهایشان در برابر واردات‌های خارجی. به عنوان مثال، در رومانی و لهستان، کشاورزان «رقابت ناعادلانه» از سوی اوکراین را که به کاهش قیمت گندم متهم شده است، محکوم می‌کنند. در اروپای غربی، توافقات تجاری آزاد، همراه با کامیون‌ها و کالاهای خارجی، هدف قرار داده شده‌اند. و همه اینها با اهتزاز پرچم ملی با غرور و سخنرانی‌های بی‌ارزش درباره «کار واقعی»،

«خودخواهی مصرف کننده» و «شهرنشینی» ارائه می دهد! به همین دلیل است که دولت ها و سیاستمداران از هر طرف، خیلی سریع به موضوع کوچکترین آتش افروزی اعتراض می کنند و بارانی از ضربات بر سر تظاهرکنندگان می بارد، زمانی که طبقه کارگر در مبارزه است، در حالیکه به سرعت به ابراز حمایت از «خشم مشروع» کشاورزان می پردازند.

### گامی دیگر به سوی هرج و مرج اجتماعی

وضعیت به هر حال بسیار نگران کننده برای بورژوازی اروپاست. بحران سرمایه داری قطعاً متوقف نمی شود. خرده بورژوازی و کسب و کارهای کوچک همواره عمیق و عمیق تر در فقر فرو خواهند رفت. شورش های مالکان کوچکی که به کنار گذاشته شده اند، تنها می توانند در آینده گسترش یابند و به افزایش هرج و مرج که جامعه سرمایه داری در آن فرو رفته است، دامن زند. این امر در تخریب بی رویه و تلاش برای «گرسنگی» شهرها مشهود است.

به ویژه، این جنبش به طور روشن گفتمان احزاب راست افراطی را در سراسر اروپا تقویت می کند. در چند سال آینده، چندین کشور ممکن است به پوپولیسم روی بیاورند و بورژوازی به خوبی می داند که پیروزی راست افراطی در انتخابات بعدی اروپا، از دست دادن کنترل بورژوازی بر جامعه را بیشتر تقویت می کند و توانایی آن برای حفظ نظم و ثبات و تضمین انسجام ملی را از بین می برد.

در فرانسه، جایی که این جنبش بیشترین ریشه‌ها را دارد، دولت همه ابزارهای خود را برای کنترل خشم کشاورزان استفاده می‌کند، در هنگامی که اوضاع اجتماعی بسیار متشنج است. از نیروهای نظامی خواسته می‌شود تا از درگیری‌ها خودداری کنند و دولت یک سری «اعلانات» منتشر می‌کند، از جمله نفرت‌انگیزترین آن‌ها (استفاده بیشتر از نیروی کار خارجی با کم‌ترین دستمزد، حتی توقف کم‌اهمیت‌ترین سیاست‌ها به نفع محیط زیست، و غیره). در آلمان، به منظور اینکه وضعیت بدتر از این نشود، شولتز مجبور شد تا حدودی از قیمت گازوئیل کشاورزی عقب‌نشینی کند، همانطور که اتحادیه اروپا نیز در استانداردهای محیط زیستی عقب‌نشینی کرد.

پس از شورش سال ۲۰۱۳ کسبه کوچک در بریتانی، به اصطلاح «کلاه قرمزا»<sup>۱</sup>، و سپس جنبش بین‌طبقه‌ای «جلیقه زردها»<sup>۲</sup> در سراسر فرانسه، اکنون کل اروپا تحت تأثیر موجی از خشونت توسط خرده‌بورژوازی قرار دارد که هیچ چشم‌اندازی جز ایجاد هرج و مرج ندارد. بنابراین جنبش کشاورزان در واقع نشان‌دهنده گامی بیشتر در فروپاشی جهان سرمایه‌داری است. اما بورژوازی مانند بسیاری از حالت‌های بحرانی نظام، جنبش کشاورزان را علیه طبقه کارگر به کار می‌گیرد و آن را ابزاری می‌کند.

---

<sup>۱</sup> «کلاه قرمزا: حمله ایدئولوژیک علیه آگاهی کارگران»، انقلاب جهانی شماره ۴۴۴

<sup>۲</sup> «جلیقه زردها» در فرانسه: یک جنبش بین‌طبقه‌ای - مانعی برای مبارزه طبقه‌ای

## آیا پرولتاریا می تواند از «شکاف ایجاد شده توسط کشاورزان» استفاده کند؟

در زمانی که طبقه کارگر به طور توده ای در سراسر جهان در حال مبارزه است، بورژوازی می کوشد با بهره گیری از بسیج کشاورزان بلوغ آگاهی آنها را تضعیف و تفکر آنها را در مورد هویت، همبستگی و روش های مبارزه شان تخریب کند و برای انجام این کار، هنوز هم می تواند روی اتحادیه های کارگری و احزاب چپ، به رهبری تروتسکیست ها و استالینیست ها حساب کند.

کنفدراسیون عمومی کار فرانسه (ث ژ ت) به سرعت کارگران را به پیوستن به جنبش دعوت کرد، در حالی که تروتسکیست های طرفدار انقلاب مداوم با شجاعت تمام تیترو زدند: "کشاورزان دولت را وحشت زده می کنند، جنبش کارگری باید از این شکاف استفاده کند." زود باش! اگر بورژوازی از تحریک هرج و مرج اجتماعی موجود در این جنبش می ترسد، چه کسی می تواند باور کند که اقلیت کوچکی از اجتماع که وابسته به مالکیت خصوصی هستند، می توانند دولت و دستگاه عظیم سرکوب آن را بترسانند؟

جنبش های «کلاه قرمزا» یا «جلیقه زردها» قبلاً توانایی بورژوازی را برای ابزار کردن و برانگیختن یک «ترس» حساب شده برای اعطای اعتبار به یک دروغ بزرگ علیه طبقه کارگر نشان داده اند: تظاهرات گسترده و مجامع عمومی شما بی فایده

است! آنها از ما می خواهند باور کنیم که بورژوازی از هیچ چیزی جز محاصره و اقدامات کوچک نمی ترسد. هیچ چیز نمی تواند از حقیقت این همه دور باشد! چرا که این روش ها معمولاً همان هایی هستند که اتحادیه ها استفاده می کنند تا خشم کارگران در اقدامات عقیم و بی نتیجه تخلیه شوند. اقدامات تخریبی بی هدف هیچ کمکی به تضعیف پایه های نظام سرمایه داری یا فراهم کردن زمینه برای سرنگونی آن ایجاد نمی کند. آنها مانند نیش حشرات روی پوست فیل هستند که گزندی نمی زند ولی سرکوب بیشتر را توجیه می کنند.

اما بورژوازی به تخریب بازتاب تفکر پرولتاریا بر ابزار مبارزه اش راضی نیست. او همچنین به دنبال سرکوب احساسی است که از طریق بسیج خود در حال گسترش است، احساس تعلق به یک طبقه، قربانیان حملات مشابه که مجبور به مبارزه متحد و همبستگی با یکدیگر هستند. بنابراین احزاب جناح چپ به سرعت نظرات کهنه و جعلی خود را در باره «همگرایی» مبارزات «مردم عادی» علیه «ثروتمندان» را تکرار می کنند.

تروتسکیست های ایتالیایی به نام صدای مبارزات در توضیح تظاهرات در آلمان نوشتند که "اقدامات گسترده دهقانی و اعتصابات راه آهن به طور همزمان در حال انجام است. اتحاد بین این دو بخش استراتژیک یک نیروی ضربتی عظیمی خواهد



داشت". همان مزخرفات قدیمی! تنها هدف این فراخوان‌های سنتی برای «همگرایی»، خفه کردن مبارزه طبقه کارگر در شورش‌های «مردمی» است.

با وجود همه چیز، بورژوازی با بی‌اعتمادی شدید کارگران نسبت به جنبشی مواجه است که به شدت سرکوب نمی‌شود (برخلاف تظاهرات کارگری) و با راست افراطی با لفاظی‌های بسیار ارتجاعی معاشقه می‌کند. بنابراین، اتحادیه‌ها و چپ‌ها مجبور بودند برای فاصله گرفتن از جنبش به تمام تحریف‌های ممکن متوسل شوند، در حالی که تلاش می‌کردند با اعتصاب‌های پراکنده، شرکت به شرکت، پرولتاریا را «به درون شکاف» سوق دهند و تشویق کنند.

بسیج کشاورزان به هیچ وجه نمی‌تواند سکوی پرشی برای مبارزه طبقه کارگر باشد. در مقابل، پرولتاریاهایی که به خود اجازه می‌دهند در پس شعارها و روش‌های کشاورزان قرار گیرند، در لایه‌های اجتماعی که اساساً با هر دیدگاه انقلابی مخالف هستند، تضعیف می‌شوند. تنها تحت فشار ناسیونالیسم و همه‌ایدئولوژی‌های ارتجاعی که این جنبش با خود حمل می‌کند، ناتوان خواهند شد و قدرت ناچیزی خواهند داشت.

مسئولیت انقلابیون در قبال طبقه کارگر شامل برجسته ساختن دام‌هایی است که مشخصه مبارزه آن است و متأسفانه برای مدت طولانی مشخصه آن خواهد بود. با

عمیق تر شدن بحران، بسیاری از اقشار اجتماعی، که نه استثمارگر و نه انقلابی هستند، مانند کشاورزان امروزی به شورش کشیده خواهند شد، بدون اینکه ظرفیت ارائه دیدگاه سیاسی واقعی به جامعه را داشته باشند. در این زمین عقیم، پرولتاریا تنها میتواند شکست بخورد. تنها دفاع از استقلال خود به عنوان یک طبقه استثمار شده و انقلابی می تواند آن را قادر سازد تا مبارزه خود را بیش از پیش گسترش دهد و در درازمدت، اقشار دیگر را به مبارزه خود علیه سرمایه داری بکشاند.

EG

۳۱ ژانویه ۲۰۲۴

برگردان فارسی: صدای انترناسیونالیستی

آدرسهای جریان کمونیست بین‌المللی:

وبسایت:

[www.internationalism.org](http://www.internationalism.org)

ایمیل:

[international@internationalism.org](mailto:international@internationalism.org)

آدرسهای صدای انترناسیونالیستی:

کانال تلگرام:

<https://t.me/intvoice>

ایمیل:

[contact@internationalistvoice.org](mailto:contact@internationalistvoice.org)

وبسایت:

[www.internationalistvoice.org](http://www.internationalistvoice.org)

ایکس (توییتز سابق):

[https://twitter.com/int\\_voice](https://twitter.com/int_voice)